

۱۳۱۱۳۸۳

اسلام‌پژوهی - ۱۸

مریم صالحی‌نیا

دوست و دشمن
چهارماری در روایت‌شناسی تطبیقی متون

نگارخانه
نشر نگاه معاصر

قدسیت و ساحت

جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون

مؤلف
مریم صالحی‌نیا

ناشر: نشر نگاه معاصر (وابسته به مؤسسه پژوهشی نگاه معاصر) / مدیر هنری: باسم الرسام
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی) / لیتوگرافی: نوید
چاپ و صحافی: فرنو / چاپ اول: ۱۳۹۴ / شمارگان: ۱۱۰۰ / قیمت: ۲۰۰۰۰ تومان
شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۹۹۴۰-۰۲-۱

کتابنامه

نشانی: مری سبی - سفک محلاتی - فاز ۲ مخابرات - بلوک ۳۸ - واحد ۲ شرقی
تلفن: ۲۲۱۶۸۴۱۹ / پست الکترونیک: negahe.moaser94@gmail.com

سرشناسه: صالحی‌نیا، مریم - ۳۵۳ -

عنوان و نام پدیدآور: قدسیت و ساحت جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی /

مؤلف مریم صالحی‌نیا.

مشخصات نشر: تهران: نگاه معاصر، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری: ۳۴۰ ص: جدول.

فروست: اسلام پژوهی؛ ۱۸.

شابک: 978-964-9940-02-1

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.

یادداشت: کتابنامه.

یادداشت: نمایه.

عنوان دیگر: جستاری در روایت‌شناسی تطبیقی متون قدسی.

موضوع: قرآن - قصه‌ها.

موضوع: کتاب مقدس. عهد جدید - وقایع تاریخی - داستان.

موضوع: قرآن و کتاب مقدس - مطالعات تطبیقی.

موضوع: قرآن و کتاب مقدس.

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۳ ق ۴ ص ۸۸ BP

رده‌بندی دیوبی: ۲۹۷/۱۵۶:

شماره کتابشناسی ملی: ۳۷۰۷۲۲۶:

فهرست

□ مقدمه ۷

فصل اول: پیرامتن [۱۳]

- ۱-۱. ساختار و شکل ظاهری کتاب مقدس ۱۴
 ۲-۱. تدوین و شکل‌گیری قرآن ۲۹
 ۳-۱. تفسیر قرآن و کتاب مقدس ۳۵

فصل دوم: زیرمتن [۵۱]

- ۱-۲. داستان‌های مشترک ۵۲
 ۲-۲. روایات داستانی غیر مشترک ۱۲۴

فصل سوم: فرامتن و بینامتن [۱۲۹]

- ۱-۳. اساطیر ۱۳۰
 ۲-۳. افسانه‌ها ۱۸۰
 ۳-۳. ادبیات و فرهنگ یونان ۱۹۱
 ۴-۳. عناصر و سازه‌های تاریخی ۲۱۳

فصل چهارم: داستان [۲۳۳]

- ۱-۴. ساختار داستان در کتاب مقدس ۲۳۳
 ۲-۴. ساختار داستان در قرآن ۲۴۷

- ۲۶۵..... ۴-۳. طرح ساختاری روایات ایدئولوژیک
- ۲۶۸..... ۴-۴. رده‌بندی کنشگرها

فصل پنجم: گفتمان [۲۷۹]

- ۲۷۹..... ۵-۱. ترتیب
- ۲۸۶..... ۵-۲. دیرش
- ۲۹۳..... ۳-۳. بسامد
- ۳۰۱..... ۵-۴. وجه
- ۳۰۷..... ۵-۵. لحن
- ۳۱۷..... سخن پایانی
- ۳۲۵..... □ کتابنامه
- ۳۳۷..... □ نمایه

مقدمه

قدسیّت، اختار، منسجم، یگانه و استوار دارد که در هر فضایی قابل شناسایی است و می‌شود رد پایش را حتی در فضای مه‌آلود فراسوی اسطوره و افسانه از زبان گنگ و ناآشنای انسان پیشاتاریخی دریافت و با شناسنت. چنان‌که نگاه عمیق عاشقانه می‌تواند چیزی از زیبایی خیره‌کننده معشوق را در چهره روکیبا^۱ «خورده‌ترین اجداد او باز یابد و درست خلاف باور اغلب ما، حضور یا عدم حضور اسطوره و افسانه در تاریخ، محک سنجش راست‌نمایی یا ناراستی متون قدسی نیست. قدسیّت ساختاری دارد و نشانه‌های آشنا که به گونه‌ای وهم‌انگیز در طیف وسیعی از اسطوره‌ها، افسانه‌ها و حکایت‌ها در سراسر تاریخ تکرار شده. این نشانه‌های ساختاری گرچه دور از دست و گاه تفسیرناپذیر است اما آشناست و دیردارنده پیامی یگانه. بررسی تطبیقی ساختار روایی متون مقدس، از سویی سیمای تغییرناپذیر داستان و از سوی دیگر دگرگونی و صیرورت تاریخی روایت آن را آشکار می‌سازد و از این رهگذر، راهی برای تحلیل، ارزیابی و فهم متون مقدس، می‌گشاید. در میان متون مقدس، فرازهای قابل ملاحظه‌ای در کتاب مقدس و قرآن به روایت داستان‌هایی اختصاص یافته که از درونمایه‌ای یکسان برخوردارند. از آنجا که ساختار روایی و شیوه بیان متفاوتی در دو کتاب به کار رفته، بستر مناسبی برای پژوهشی تطبیقی و ساختاری فراهم آمده است. تحلیل و بررسی این روایات از دیدگاه روایت‌شناسی ساخت‌گرا، نظر به آنچه تفاسیر، پژوهش‌های تاریخی و مطالعات اسطوره‌شناسی در این باره ارائه می‌دهند محور اصلی مباحث این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

نخستین اثری که در پیشینه این پژوهش می‌توان به آن اشاره کرد منشأ و خاستگاه داستان‌های اسلامی در قرآن و حیات پیامبران اثر دیوید سیدرسکی است که در سال ۱۹۳۳ در پاریس منتشر شده است.^۱ این اثر به فارسی ترجمه نشده، اما یکی از منابع اصلی ماسون، پژوهشگر دیگر

1. Sidersky, *Les origines des légends musulmanes dans le Coran et dans la vie des prophètes*

فرانسوی بوده است. ماسون در اثر خود با عنوان قرآن و کتاب مقدس، درونمایه‌های مشترک^۱ که حاصل ۶۰ سال مطالعه وی در زبان و ادبیات عرب و پژوهش و تحقیق درباره قرآن و نیز جستجوی موارد اشتراک و افتراق آن با کتاب مقدس و دیگر متون یهودی و مسیحی است، بسیار به نتایج پژوهش سیدرسکی اشاره کرده؛ با این همه گاهی در فهم داستان‌های قرآن و تطبیق آنها با کتاب مقدس دچار اشتباه شده است؛ برای نمونه او درباره ذوالقرنین می‌گوید: «چندین آیه از سوره کهف به شخصیتی موسوم به ذوالقرنین اختصاص یافته که به او این قدرت را داده بودند که به یک یک طناب در هوا جابه‌جا شود» (ماسون، ۱۳۸۵: ۵۲۵).

از دیگر آثاری که درباره مقایسه قصه‌های قرآن و کتاب مقدس نوشته شده، مقایسه قصص در قرآن و عهدین نوشته عباس اشرفی است که انتشارات دستان آن را در سال ۱۳۸۲ منتشر کرده است. اشرفی تا پاره‌ای از داستان‌های مشترک را از منظر الهیات و دین‌شناسی بدون توجه به ساختار روایت بررسی کرده است.

اثر دیگر، بیان نامه کارث‌الاسی ارشد حمید یزدان‌پرست لاریجانی است با عنوان داستان پیامبران در تورات، بنامه انجیل و قرآن و بازتاب آن در ادبیات فارسی، که در سال ۱۳۸۴ توسط انتشارات اطلاعات به چاپ رسیده است. با این‌که روش او نیز در این بررسی بسیار با آنچه در این پژوهش مورد نظر بوده است، تفاوت دارد، اما آنچه کار او را ارزشمند و قابل توجه کرده است همکاری بعضی از یهودیان مسیحی با او در آشنایی با زبان عبری است که بخش‌هایی از تلمود را برای او ترجمه کرده و او را در شناخت بعضی سنت‌ها و باورهای عامیانه یهودیان یاری داده‌اند.

تفاوت عمده‌ای که پژوهش حاضر را از پژوهش‌های پیشین متمایز می‌کند و وجود آن را علیرغم پژوهش‌های موجود ضرورت و مشروعیت این پژوهش را تأیید می‌کند، رویکرد روایت‌شناختی آن است. این رویکرد بدون هیچ مبالغه، تعصب و یکسویگری تنها با بررسی و کارروایی کتاب مقدس و قرآن پرده از تفاوت بنیادین آنها برمی‌دارد و در همان حال بر شباهت‌ها و اشتراکات آنها نیز صحنه می‌گذارد.

هر روایت دارای دو سطح داستان و گفتمان است و در این تحلیل ساختار روایت نیز این هر دو سطح مورد توجه بوده‌اند؛ تحلیل ساختار داستان براساس نظریه داستان بنیادین پرآپ، انجام گرفته است منتها با نظر به اصلاحاتی که ساخت‌گرایانی چون تودوروف و بارت به منظور تکمیل و گسترش حوزه کاربرد نظریه او، طرح کرده‌اند. در تحلیل ساختار گفتمان، که پرآپ در تئوری ساختاری خود جایی برای آن در نظر نگرفته است، نظریه شناخته‌شده ژرژ ژنت، مبنای قرار گرفته؛ نظریه ژنت از آن‌جا که همه ابعاد روایت را، به نوعی در عناصر و مقوله‌هایی که در تبیین و تحلیل ساختار روایت به کار می‌گیرد، در نظر دارد، از کامل‌ترین پژوهش‌ها در این زمینه به شمار می‌رود.

از سوی دیگر در تحلیل ساختار گفتمان در کنار نظریه ژنت، الگوی جهانی ویلیام لباو در صورت‌بندی اجزای گفتمان روایی مورد توجه بوده است؛ این الگو در بررسی مقوله لحن که از مهم‌ترین مقوله‌ها در نشان دادن تفاوت ساختار گفتمان روایت کتاب مقدس و قرآن است، بسیار کارآمد است.

ساختار کتاب از پنج فصل تشکیل شده؛ فصل نخست، بررسی موقعیت پیرامنتی کتاب مقدس و قرآن است. پیرامتن نشانگر عناصری است که در آستانه متن قرار گرفته و دریافت متن از سوی خوانندگان را جهت‌دهی و کنترل می‌کند و به این پرسش‌ها پاسخ می‌گوید که این متن چه زمانی اثر یافته؟ توسط چه کسی؟ و به چه منظوری؟ در این فصل، تدوین و شکل‌گیری کتاب مقدس و قرآن مورد بررسی قرار گرفته است. باید خاطرنشان کرد که در بررسی موقعیت پیرامنتی کتاب مقدس سعی بر آن شده است که بیشتر به نظرات پژوهشگران اهل کتاب توجه شود.

دشواری زیر قرآن کتاب مقدس و دیرینگی آن از یک‌سو و لزوم درک در زمانی آن از دیگر سو سبب شده است که متون سیری زیادی درباره آنها نوشته شود. مطالعه چهره روایات داستانی مشترک قرآن و کتاب مقدس در این متون از چند جهت می‌تواند در بررسی ساختار روایی آنها روشنگر و راهنما باشد: نخست این که نشان می‌دهد مخاطبین این متون چگونه آنها را می‌خوانند و داستانی که از پیرنگ و طرح این روایات در ذهن آنها شکل گرفته چه ویژگی‌هایی دارد، آیا فاصله‌ای که در پیرنگ و طرح این روایات وجود دارد، در دریافت مفسرین از این متون بیشتر می‌شود، یا این که چون به باور آنها اصل و حقیقت تاریخی داستانی که روایت می‌شود یکی است، می‌کوشند تا این فاصله‌ها را در شرح و تفسیر خود توجیه کرده، آن را از میان بردارند و یا دست‌کم از اهمیت آن بکاهند. دیگر این که مفسرین در شرح و تفسیر این روایات داستانی تا چه اندازه به روایت مقابل نظر داشته‌اند و چگونه پاره‌هایی از آن را در رهگذر شرح و تفسیر به پیرنگ اصلی خود افزوده‌اند. بنابراین در این فصل سنت تفسیر قرآن و کتاب مقدس به عنوان عنصری پیرامنتی مورد توجه قرار گرفته است.

فصل دوم، بررسی پیوند زیرمتنی و زیرمتنی کتاب مقدس و قرآن است. در سنت، نشانه هرگونه ارتباطی است که متنی که ما آن را زیرمتن می‌خوانیم، به متنی که آن را زیرمتن می‌خوانیم، پیوند می‌دهد. در این فصل رابطه قرآن به عنوان یک زیرمتن با کتاب مقدس به عنوان یک زیرمتن در حوزه روایات داستانی، بررسی شده است. همخوانی قرآن و کتاب مقدس در خود قرآن بازها تصریح و تصدیق شده است به ویژه در سوره بقره و آل عمران که یهودیان و مسیحیان را مورد خطاب قرار می‌دهد. در سوره بقره خطاب به یهودیان آمده است: «به آنچه همخوان کتاب شما نازل کرده‌ایم، ایمان بیاورید و نخستین منکر آن نباشید» (بقره ۴۱/۲)، در همین سوره به پیامبر خطاب شده است: «جبرئیل آن [قرآن] را به دستور الهی بر دل تو نازل کرده است و آن همخوان

کتاب‌هایی است که پیشاپیش آن است» (بقره ۹۷/۲). در ابتدای سورة آل عمران نیز آمده است: «این کتاب را که همخوان با کتاب‌های آسمانی پیشین است به درستی بر تو نازل کرد و تورات و انجیل را پیشتر فرستاد» (آل عمران ۳/۳). در سورة مانده که باز فرازهایی از داستان یهودیان و مسیحیان روایت شده، به سه کتاب تورات، انجیل و قرآن و نزول آنها یکی پس از دیگری، در حالی که کتاب پیش از خود را تصدیق می‌کند، اشاره شده است: «ما تورات را که در آن رهنمود و نوری است فرو فرستادیم. پیامبران که تسلیم خدا بودند براساس آن برای یهودیان داوری کردند... و به دنبال ایشان عیسی بن مریم را فرستادیم که گواهی‌دهنده بر حقانیت تورات بود که پیشاپیش او بود و به او انجیل دادیم که در آن هدایت و نوری هست و همخوان با تورات است... و کتاب آسمانی را به راستی و درستی بر تو نازل کردیم که همخوان با کتاب‌های آسمانی پیشین را حاکم بر آنهاست» (مانده ۴/۵-۴۸). علاوه بر این در موارد متعدد دیگری نیز به همخوانی این دو کتاب اشاره شده است. در این فصل روایات داستانی مشترک معرفی شده و رخدادهای این کتاب‌ها به شکلی تطبیقی مقایسه شده است تا مشخص شود این روایات چگونه و تا چه اندازه با هم مرتبط هستند.

فصل سوم بررسی موقعیت فراموشی سازه‌ها و ساختار روایات کتاب مقدس و قرآن است. در این بخش روابط فراموشی و فرامتنی روایات داستانی کتاب مقدس و قرآن با اسطوره‌ها، افسانه‌ها، ادبیات و فرهنگ یونان و تاریخ، بررسی می‌شود. به قرار گرفته و نمونه‌های برجسته‌ای از این مایه‌های مشترک این متون معرفی شده است. گفنی است که منظور از اسطوره در این پژوهش به ویژه در روایات قرآنی حوادثی است که در زمان‌های پرمناجات رخ داده و در ذهن تکامل نیافته اما با ایمان انسان نخستین رسوخ کرده و همواره چون تاریک‌ترین و مینوی تلقی شده است و البته گزاره‌هایی از آن در سیر تحول و تطور خود در قالب افسانه‌ها نیز ظهور کرده است.

در فصل چهارم ویژگی‌های ساختاری داستان‌های کتاب مقدس و قرآن به طور جداگانه مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا عناصر و سازه‌های تکرارشونده آنها شناسایی شده، این ترتیب الگوی بنیادین طرح این داستان‌ها به دست آید. برای این منظور نخستین دسه از روایات مشترک دو کتاب را انتخاب کرده‌ام که عبارت‌اند از داستان آدم، نوح، ابراهیم، لوط، اسحاق، یعقوب، یوسف، موسی، داوود، سلیمان، ایوب، یونس و عیسی؛ یعنی روایت‌هایی که آشکارا درباره شخصیت‌های یکسانی سخن می‌گویند. علاوه بر این روایات قرآن و کتاب مقدس از دیدگاه نوع‌شناسی نیز مورد بررسی قرار گرفته است. نوع‌شناسی یا Typology به جای این که روایات را با مقوله‌هایی بیرون از آنها تفسیر کند، اجزای ساختاری روایات را براساس پیوندهای درونی آنها مجدداً توصیف می‌کند. بُعد دیگری از ویژگی‌های ساختاری داستان‌های کتاب مقدس و قرآن که در این بخش به آن اشاره شده، طرح کیاسموس (Chiasmus) است. ساختارگرایی که در تحلیل ساختاری کتاب

مقدس و متون ایدئولوژیک تاریخی کوشیده‌اند، امروزه به این نتیجه دست یافته‌اند که آنالیز ساختاری این آثار اثبات می‌کند که بسیاری از نویسندگان متون ایدئولوژیک، طرح خود را براساس یک نقشه از پیش تعیین‌شده ترسیم کرده‌اند. محققین کتاب مقدس این طرح را کیاسموس نامیده‌اند. این طرح می‌تواند به عنوان یک سبک ادبی شناخته شود که شامل یک سری عناصر ساختاری است که عناصر دیگری به طور قرینه و با ترتیبی وارونه از آنها پیروی می‌کنند. نقطه تلاقی یا به عبارت دیگر نقطه ثقل که محور این عناصر است با علامت (X) با حروف یونانی نمایش داده می‌شود. این کانون مرکزی، قادر است ایده و تمی را که نویسنده برای توضیح آن تلاش می‌کند برجسته کند.

عناصر دیگری که در بررسی ساختار داستان مورد توجه بوده، رده‌بندی کنشگرها است. رده‌بندی کنشگرها براساس انواع کنشی پراپ، گرماس و کوکه، انجام گرفته است چرا که این الگوها هر یک از سوژه‌های مهم کاربردی‌اند و نکاتی را مورد توجه قرار داده‌اند که با داستان‌های دینی تناسب دارد و از سه دیگر ناسایی‌ها و کاستی‌هایی دارند که باعث می‌شود برخی از ابعاد کنشگرها که در تحلیل ساختاری مهم است، پوشیده بماند. از این روی از هر سه الگو برای رده‌بندی کنشگرها استفاده شده است.

سرانجام در فصل پنجم ویژگی‌های کلی ساختار گفتمان در کتاب مقدس و قرآن براساس پنج مقوله محوری ژنت یعنی ترتیب، دیرش، سادگی و به و لحن مورد بررسی قرار گرفته است و در پایان مهم‌ترین وجوه افتراق و اشتراک ساختار دو کتاب و خاستگاه آن بسیار فشرده یادآوری شده است.

مریم صالحی‌نیا